

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

هشت سال وعده، سه سال اقدام

در حالی که دولت سیزدهم مرداد ۱۴۰۳ را ناتمام رها کرد، وضعیت اقتصادی کشور نسبت به مرداد ۱۴۰۰ که خزانه خالی و مقروض، فرسایش مدیریتی و بحران پرداخت حقوق حاکم بود، تفاوت اساسی یافته بود. دولت شهید رئیسی کشوری را تحویل گرفت که نه تنها گرفتار تحریم، بلکه با موجودی صفر خزانه و تهی شدن انبار کالاهای اساسی مواجه بود، و در این دوره نیمه تمام، بدون جنجال رسانهای، ترمیم مدیریتی و اقتصادی را آغاز کرد. آنچه امروز از ایران مرداد ۱۴۰۳ میبینیم، شباهتی به روزهای سیاه تحویل دولت از روحانی به رئیسی ندارد.



۷

وزیر سابق نفت در گفت و گوی اختصاصی با نوبنیاد از نقش شهید جمهوری در افزایش صادرات نفت خبر داد:

دولت بین بست شکن

۴



رکورد ترانزیت در دولت
شهید رئیسی شکسته شد

۴

صفحه ۱

فرهنگی

معرفی هفت کتاب
درباره شهید رئیسی

سفر عراقچی به نیویورک و یادآوری
بدیهیات روابط بین الملل

دکتر مهدی خاتعلی زاده
پژوهشگر روابط بین الملل



با وجود دست برتر ایران در میدان و اعمال قدرت تهران در مدیریت تنگه هرمز در جریان جنگ تحمیلی اخیر، فعالیت دیپلماتیک جدی از سوی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس باعث شده تا رویدادهایی خلاف منافع ملی ایران طراحی و اجرایی شود که با واکنش مناسب از سوی دستگاه دیپلماسی کشورمان نیز روبرو نشده است؛ مساله ای که در روزهای پیش رو و با توجه به تحت فشار بودن طرف آمریکایی در این زمینه، می تواند خدشه های جدی در میدان داری ایران در تنگه ی هرمز ایجاد کند.

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۲

سیاسی

دوره طلایی میدان

مرور عملکرد دولت شهید رئیسی در حوزه تعاملات میان قوه مجریه و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران واجد فرازهایی درس آموز و الگو برای اینگونه مناسبات است. دولت سیزدهم در حالی در سال ۱۴۰۰ روی کار آمد که دولت قبل از آن به صراحت علیه توان نظامی و دفاعی کشور سخن می گفت.

صفحه ۳

سیاسی

رئیس جمهور همه ایران

شهید جمهور، سیدالشهدای خدمت بود و در نهایت نیز در راه خدمت به مردم و در جریان یک سفر استانی همراه با یاران و هم سفران خود به مقام رفیع شهادت رسید. رآستانه دومین سالگرد شهادت آیت الله سید ابراهیم رئیسی، برخی تصاویر ماندگار از سفرهای استانی پرتعداد او را مرور کرده ایم.

در آستانه سالگرد شهادت آیت‌الله رئیسی، مناسبات هم‌افزا و سازنده دولت سیزدهم با نیروهای مسلح را مرور کرده‌ایم

دوره طلایی میدان

هجمه حسن روحانی علیه برنامه موشکی سپاه پاسداران در جریان مناظرات انتخاباتی سال ۹۶ و یا در تکنا گذاشتن مجموعه‌هایی چون هوافضای سپاه تنها مواردی از سرفشارهای دولت روحانی در قبال نیروهای مسلح بود. روندی که در دوران ریاست جمهوری شهید رئیسی معکوس شد.

مرور عملکرد دولت سیزدهم و شخص آیت‌الله شهید سید ابراهیم رئیسی در حوزه تعاملات میان قوه مجریه و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران واجد فرازهایی درس‌آموز و الگو برای اینگونه مناسبات است. دولت سیزدهم در حالی در سال ۱۴۰۰ روی کار آمد که دولت قبل از آن به صراحت علیه توان نظامی و دفاعی کشور سخن می‌گفت.



مسلح کشورمان کم نیست. تعاریفی که اهمیت رویکرد هم‌افزای دولت سیزدهم با نیروهای مسلح را نشان می‌دهد. این موضوع در دوره حیات شهید رئیسی نیز به کرات مورد تأکید آن شهید بود از جمله ایشان در مراسم رونمایی از ابرموشک هایپرسونیک ایرانی فاتح که با حضور فرماندهان شهیدی چون سردار سلامی فرمانده وقت کل سپاه، سردار حاجی‌زاده فرمانده وقت نیروهای هوافضای سپاه، سردار شادمانی معاون وقت قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء (ص)، شهید پاکپور فرمانده وقت نیروی زمینی سپاه برگزار شده بود، با اشاره به اینکه امروز (خردادماه سال ۱۴۰۲) دولت و نیروهای مسلح در یک عرصه تلاش می‌کنند، گفته بود: وحدت و انسجام همه نیروها مثال زدن و در جهت پیشرفت کشور است؛ پیشرفتی که موجب شده تا دشمن عصبانی شود و خشم خود را در بعضی عرصه‌ها نشان دهد؛ لذا به دشمن می‌گوییم اگر از پیشرفت‌های کشور عصبانی هستید، عصبانی باشید، چون این پیشرفت‌ها مردم را خوشحال می‌کند.

از عملکرد دولت سیزدهم در تعامل با نیروهای نظامی و انتظامی گفته بود: حقیقتاً دوره دولت سیزدهم یک دوره متمایز برای بنیه دفاعی کشور و توانایی نیروهای مسلح در دفاع و امنیت کشور بود. به گفته شهید باقری، «در دولت سیزدهم فوق‌تصور و فوق‌توان بسیاری از دولت‌ها کار انجام شد. این دولت در مدت سه سال، کارهایی را انجام داد که زمان بسیار بیشتری را می‌طلبد و توانست مسئولیت‌های بسیار سنگینی را ایفا کند.»

شهید حاجی‌زاده فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه نیز در سخنانی که اخیراً منتشر شده، گفته است: «اگر عملیات وعده صادق (۱) این وزن را پیدا کرد، این به خاطر این بود که میدان و دولت همراه و هم‌آوا بودند. ما در این دوره می‌دیدیم که شهی رئیسی خودشان به دعوت ما آمدند و موشک هایپرسونیک فاتح را رونمایی کردند. در گذشته اینطور نبود؛ این نشان از روحیه انقلابی این شهید بزرگوار (شهید رئیسی) دارد.»

از این دست سخنان در تمجید از رویکرد دولت شهید رئیسی نسبت به نیروهای

هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

مناسبات نیروهای مسلح و قوه مجریه در دوره ریاست جمهوری شهید رئیسی چندین پله ارتقا پیدا کرد. در دولت سیزدهم نه تنها شاهد نیش و کنایه دولتی‌ها به توانمندی‌های دفاعی و نظامی کشور نبودیم بلکه به کرات مشاهده شد که شخص رئیس‌جمهور و مجموعه دولت از هیچ فرصتی برای حمایت و هم‌افزایش با نیروهای مسلح دریغ نکرده‌اند. از جمله این موارد به حضور رئیس‌جمهور شهید در مراسم رونمایی از موشک فاتح اشاره کرد. مجموعه این روندها موجب شد تا تعدادی بسیاری از فرماندهان نظامی، دوره دولت سیزدهم را یک دوره متمایز در مناسبات میان قوه مجریه و نیروهای مسلح ارزیابی کنند. از جمله سردار سرلشکر شهید «محمد باقری» رئیس فقید ستاد کل نیروهای مسلح خردادماه سال ۱۴۰۳ در حاشیه دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی با «محمد مخبر» سرپرست ریاست جمهوری، ضمن تمجید

خبر کوتاه

هشدار فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) به آمریکا

سرلشکر پاسدار علی عبداللهی فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء (ص) با تأکید بر اینکه به آمریکا و همپیمانان آن اعلام می‌داریم، دوباره مرتکب اشتباه راهبردی و خطای محاسباتی نشوند، عنوان کرد: آنها باید بدانند ایران اسلامی و نیروهای مسلح آن نسبت به گذشته آماده‌تر و قوی‌تر، دست بر ماشه هستند و هرگونه تعرض و تجاوز مجددی از سوی دشمنان سرزمین و ملت سربلند را سریع، قاطع، پر قدرت و گسترده پاسخ خواهند داد.

سخنگوی ارتش: جبهه‌های جدیدی علیه دشمنان خواهیم گشود

امیر سرتیپ محمد اکرمی‌نیا، سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران در اجتماع مردمی در میدان ولیعصر (عج) تهران هدف اصلی دشمنان را «تجزیه» ایران خواند و گفت: ارتش جمهوری اسلامی ایران، دوره آتش بس را به منزله دوران جنگ تلقی کرده و از این فرصت برای تقویت توان رزمی خود استفاده کرده است. سخنگوی ارتش در ادامه دشمنان ایران اسلامی را مخاطب قرار داد و بیان کرد: جمهوری اسلامی ایران محاصره‌پذیر و قابل شکست نیست. اگر دشمن حماقت کند و مجدداً در دام صهیونیست‌ها گرفتار شود و دست به تجاوزی دیگر به ایران عزیز ما بزند، با ابزارها و شیوه‌های جدید جبهه‌های جدیدی را علیه آنها خواهیم گشود.

میانجی‌گری در مذاکرات، حاصل همکاری ایران، پاکستان و چین است

رحمانی فضلی سفیر ایران در چین گفت: پکن ترجیح می‌دهد در شرایطی وارد میانجی‌گری شود که امکان دستیابی به نتیجه واقعی فراهم باشد. طبیعی است که پرونده ایران و آمریکا، به دلیل پیچیدگی‌های تاریخی و سیاسی، با بسیاری از پرونده‌های دیگر تفاوت دارد. مهم‌تر آنکه اعتماد به آمریکا بسیار دشوار شده است. با وجود این چین در روند فعلی میانجی‌گری که در اسلام‌آباد جریان دارد، نقش کلیدی ایفا کرده است. روند فعلی میانجی‌گری حاصل همکاری ایران، پاکستان و چین است. چین تنها قدرتی بود که در میانه این جنگ یک ابتکار صلح با همراهی پاکستان ارائه داد. وی افزود: افزون بر این رئیس‌جمهور چین ابتکاری چهار ماده‌ای برای صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه ارائه داده است که متوازن و ارزشمند است و می‌تواند مبنایی برای صلح پایدار در منطقه قرار گیرد.

انهدام ۴ هسته تروریستی در جنوب شرق کشور

وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای از انهدام چهار هسته از تروریست‌های تکفیری دشمن آمریکایی-صهیونیستی در جنوب شرق کشور خبر داد. در این اطلاعیه آمده است: به استحضار شهروندان گرامی می‌رساند طی یک سلسله عملیات منسجم و به هم پیوسته توسط سربازان گمنام امام‌زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان سیستان و بلوچستان، چهار هسته تروریستی دشمن آمریکایی-صهیونی‌شناسی و ۱۹ نفر از مزدوران این شبکه‌های تروریستی-تکفیری که تحت هدایت مستقیم سرویس‌های جاسوسی دشمن صهیونی یا گروهک‌های وابسته به آنها بودند، پیش از انجام اقدامات تروریستی و خرابکارانه بازداشت شدند.

پاستور

سرگردانی ناتمام میان جنگ و مذاکره

رئیس‌جمهور کشورمان اخیراً در همایش «راویان ایران» گفته است: «این شعار که می‌گویند (گفت‌وگو نمی‌کنیم) معنایی ندارد. اگر گفت‌وگو نکنیم، پس چه باید کرد؟ ما با عزت گفت‌وگو می‌کنیم. ما حق داریم، منطق داریم، دلیل داریم و قادریم از حقوق کشورمان با قدرت دفاع کنیم و با پشتیبانی مردم خود از حقوق آنان دفاع خواهیم کرد». پزشکان همچنین در این سخنان، برخی آسیب‌های جنگ تحمیلی اخیراً برشمرد و گفت: «دشمن محدودیت‌هایی را در صادرات نفت ایجاد کرده است، از سوی دیگر امکان افزایش مالیات‌ها را نیز به دلیل مشکلات ایجاد شده برای تجار و صنعتگران نداریم»

جدا از نوع روایت پزشکان از آسیب‌های و ضربه‌های وارده به کشور که مثلاً در رسانه‌های معاند با تیتراژ «اعتراف پزشکان به فروپاشی زیرساخت‌های انرژی و

بن‌بست اقتصادی» با زتاب یافت، سردرگمی راهبردی دولت در مواجهه به تهدیدات نیز بار دیگر به منصفه ظهور رسید. پزشکان مردادماه سال گذشته پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در سخنانی گفته بود: «مذاکره نکنیم چه کنیم؟». او حالا پس از گذشت یکسال و در حالی که برای دومین بار بیایی جنگ خروجی دولت او با آمریکا بوده، مجدداً می‌گوید: «گفت‌وگو نکنیم، چه کنیم؟»

پزشکان بارها در ایام انتخابات ریاست جمهوری و پس از آن صدقانه اذعان داشت که برنامه‌ای برای ادامه دولت نداشته و حتی یکبار گفته بود صرفاً برای افزایش میزان مشارکت در انتخابات نامزد شده بود. اکنون و در میانه تنش‌های بی‌سابقه کشور با آمریکا رژیم صهیونیستی و متحدان آن، این سردرگمی و نداشتن پلن‌های جایگزین متناسب با شرایط جدید آسیب‌های قابل توجهی را به دنبال خواهد داشت.



دورنمای مبهم اداره مجلس در سال سوم

در پی تعطیلی حدوداً سه ماهه صحن علنی مجلس، ابهامات پیرامون انتخاب هیات رئیسه جدید مجلس شورای اسلامی برای سومین سال فعالیت افزایش یافت. برخی نمایندگان معتقدند برای انتخاب هیات رئیسه مجلس، حتماً باید صحن علنی به صورت حضور و با حضور عموم نمایندگان برگزار شود. برخی دیگر از نمایندگان نیز گفته‌اند چنانچه مدیریت مجلس برای برگزاری انتخابات هیات رئیسه، جلسه حضوری تشکیل دهد، چه پاسخی برای تعطیلی حدوداً سه ماه صحن علنی و معطل ماندن تصویب بسیاری از طرح‌های مهم چون رژیم حقوقی جدید تنگه هرمز و یا موضوعات معیشتی خواهد داشت. ضمن اینکه در صورت برگزاری و بیناری انتخابات هیات رئیسه، با توجه به ایرادات فنی این مدل جلسات و همچنین سابقه اشتباهاتی که در جریان قرائت آرای نمایندگان در انتخابات هیات رئیسه در سال‌های اخیر وجود داشت، طبیعتاً شائبه‌هایی نیز ایجاد خواهد شد.

روز گذشته عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی از برگزاری انتخابات هیات رئیسه مجلس دوازدهم در روز سه‌شنبه هفته آینده خبر داد. عباس پای‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: انتخابات هیات رئیسه مجلس در اجلاس سه‌شنبه (۵ خرداد) برگزار می‌شود. وی درباره روند برگزاری انتخابات با توجه به تعطیلی صحن علنی مجلس به دلیل ملاحظات دستگاه‌های امنیتی گفت که هنوز جمع‌بندی نهایی در این باره صورت نگرفته است. محمدباقر قالیباف رئیس، علی نیکزاد و حمیدرضا حاجی‌بابایی نواب اول و دوم مجلس، احمد نادری، رضا جباری، عباس پای‌زاده، صدیف بدری و مجتبی بخش‌پور، روح‌الله متفکرآزاد دبیران هیات رئیسه و علیرضا سلیمی، عباس گودرزی و جلیل میرمحمدی ناظران مجلس در اجلاس سه‌شنبه دوم هستند.

چند روایت از سفرهای استانی ماندگار سیدالشهدای خدمت شهید رئیسی در دولت سیزدهم

رئیس جمهور همه ایران

در آستانه دومین سالگرد شهادت آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، برخی تصاویر ماندگار از سفرهای استانی پرتعداد او را مرور کرده‌ایم. شهید جمهور، سیدالشهدای خدمت بود و در نهایت نیز در راه خدمت به مردم و در جریان یک سفر استانی همراه با یاران و هم‌سفران خود به مقام رفیع شهادت رسید.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

کرد. تصویر معروف شهید رئیسی با عبا و عمامه خاکی مربوط به همین سفر و بازدید است.

از جمله سفرهای استانی ماندگار شهید رئیسی، سفر او به استان البرز و کرج بلافاصله پس از بازگشت از سفر روسیه بود. ماجرا از این قرار بود که در سفر دوم هیئت دولت به کرج، شهید رئیسی نیمه شب به تهران رسیده بود و از همان فرودگاه به کرج رفت. چرا که روز جمعه در کرج بازدید داشتند و به همین خاطر به سرعت خود را به کرج رسانده تا به سفر استانی

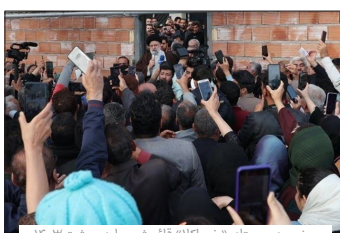
البرز برسند. محسن منصوری معاون اجرایی رئیس جمهور شهید و سرپرست نهاد ریاست جمهوری در دولت سیزدهم در اینباره نوشت: «آن روز اصرار داشتم به خاطر فشردگی سفر، برنامه‌ها جابجا شود اما ایشان تأکید داشت تا فرصت خدمت از دست نرود؛ عزیزی که «خستگی نمی‌شناخت» و پیکاری اش، تمجید مکرر رهبر معظم انقلاب را در پی داشت.»

سفر شهید رئیسی به استان البرز بلافاصله پس از بازگشت از سفر روسیه پس از شهادت ایشان مورد تمجید رهبر شهید

انقلاب قرار گرفت. رهبر شهید انقلاب پس از شهادت شهید رئیسی در جریان حضور در منزل شهید رئیسی به این خاطره اشاره داشته‌اند. اینکه شهید رئیسی ساعت ۲ یا ۳ نصفه‌شب از یکی از سفرهای خارجی به تهران می‌رسد و قرار بوده صبح فردایش هم کرج باشد. هرچند حساب کرده دیده امکان این نیست که هم استراحت کند و هم صبح فردا اول وقت، کرج باشد. همان نصفه‌شب راهی کرج می‌شود و دو سه ساعتی استراحت و بعد هم صبح اول وقت، حضور در برنامه.



بازدید از مناطق سیل‌زده فیروزکوه- مرداد ۱۴۰۱



حضور در روستای (خرمالک) قائمشهر- اردیبهشت ۱۴۰۳



حضور در روستای (ملاعلی) نقطه صفر مرزی- شهریور ۱۴۰۰

یادداشت

تلنگری برای یک جراحی عمیق

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی

معاون شهید رئیسی و رئیس بنیاد شهید در دولت سیزدهم

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، کشاورزی در ایران را در حال سقوط می‌دانست و توصیه‌های لازم در جهت حفظ و توسعه آن را به مسئولان نظام کرده بودند. ایشان معتقد بودند که استقلال فرهنگی و سیاسی کامل نمی‌شود، مگر زمانی که استقلال کشاورزی به وجود آید. ایشان طی بیانی می‌گوید: «مسئله کشاورزی ما در رأس همه امور است» و در بیان دیگری آورده است: «برای مملکت اسلامی عار است که دستش را دراز کند طرف آمریکا... ما باید خودکفا بشویم».

اما امام چرا چنین احساس خطری از حوزه کشاورزی داشت و چرا به عنوان یک عالم دینی انقلابی و رهبر جامعه بر خودکفایی بخش کشاورزی تأکید داشتند؟ حضرت امام (ره) شاهد روی کار آمدن دیکتاتوری مثل رضاخان بودند؛ پذیرش وی به سبب فروپاشی اجتماعی ایجاد شده توسط انگلیسی‌ها با قطعی مصنوعی سال‌های جنگ جهانی اول و کشتار مردم ناشی از بیماری و گرسنگی بود. و در دوران محمدرضا، اصلاحات ارضی را پایه‌گذار وابستگی دائمی کشور دید.

کشوری که تولیدکننده غذای خود بود و صادر هم می‌کرد، با نابودی اقتصاد کشاورزی اش روبرو شد و غذای مردم می‌بایست وارد می‌شد. همین وضع با سرعت با تغییرات سریع روش‌های درمانی در دارو اتفاق افتاد؛ ما که خود مکتب طبی ارزان قیمتی داشتیم، به داروهای گران‌قیمت وارداتی وابسته شدیم. و این برنامه درازمدت دشمن برای وابسته نگاه داشتن کشور به ارز خارجی بود.

متأسفانه آن سیاست‌های غلط با اقدامات اشتباه ادامه دار در سال‌های پس از انقلاب در تقسیم اراضی کشاورزی، عدم مدیریت منابع آب، تغییر ذائقه غذایی مردم و اشتباهات مکرر و بعضاً عمدی همراه با رانت و فساد، باعث تشدید وابستگی کشور در این دو حوزه مهم شده است. امروز ما به عنوان یک کشور اصلی که در گذشته تولیدکننده پروتئین و غلات و نخ و گیاه دارویی، متأثر از تحریم‌ها و عملیات روانی دشمن در قیمت گوشت، لباس و غذا و دارو هستیم. اگر نیاز جدی ما به واردات نبود، امروز دشمن هیچ طمعی برای فشار شدید اقتصادی به مردم نداشت یا آن فشار اثرگذار نبود.

ما تولیدکننده کود، بذر بومی و پروتئین (هم قرمز و هم سفید)، گندم و جو، حبوبات، صیفی‌جات، انواع میوه و... بوده‌ایم و امکان برگشت به آن را داریم. منابع مالی هنگفتی که صرف واردات می‌کنیم، اگر با سیاست‌های درست ابزار توسعه پایدار بخش کشاورزی کنیم و با رانت و فساد گسترده این بخش با جدیت و بدون تعارف مبارزه کنیم، ۱۵۰ میلیون نفر را با ظرفیت‌های این کشور می‌شود غذا داد. شاید این جنگ تلنگری برای جراحی عمیق این بخش باشد.

بقای استقلال سیاسی نظامی کشور منوط به اصلاح جدی بخش کشاورزی و دارو و درمان ماست و گر نه همیشه از این نظر تهدید خواهیم شد.



گفت و شنود

رکورد ترانزیت در دولت شهید رئیسی شکسته شد

وزیر سابق راه و شهرسازی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی شهید آیت‌الله‌عزیز ابراهیم رئیسی اظهار کرد: شهید رئیسی انسان بسیار خوبی بود، اما او فراتر از آن یک حاکم الهی به شمار می‌رفت و دقیقاً می‌دانست چه می‌کند. مهرداد بذریاش در یک گفت‌وگوی تلویزیونی با اشاره به جلسات شورای عالی مسکن، افزود: دولت سیزدهم کاملاً نسبت به برنامه‌ها و اقدامات خود توجیه بود و می‌دانست چه مسیری را دنبال می‌کند.

وی با اشاره به تعریف پروژه کلان «ایران‌راه» در دولت سیزدهم گفت: این پروژه با فرماندهی و پیگیری مستقیم شهید رئیسی طراحی و پیگیری می‌شد. در نشست‌های منطقه‌ای، چه زمانی که میزبان مهمانان خارجی بودیم و چه زمانی که در کشورهای دیگر حضور داشتیم، موضوع توسعه و رشد ترانزیت و گسترش شبکه‌های ترانزیتی همواره در دستور کار قرار داشت. بذریاش ادامه داد: تقریباً در اکثر این سفرها حضور داشتیم و موضوع اصلی همه آنها توسعه ترانزیت بود. می‌دانستیم که در حال پیشبرد پروژه «ایران‌راه» هستیم. به جرأت می‌توانم بگویم هفته‌ای نبود که شهید رئیسی جلسه‌ای برای پیگیری این موضوع برگزار نکند یا شخصاً از من گزارش نخواهد.

وزیر راه و شهرسازی در دولت سیزدهم بیان کرد: پروژه‌هایی مانند راه آهن چابهار-زاهدان، رشت-آستارا، توسعه بندر چابهار و... در همین چارچوب دنبال می‌شد. یکی از شاخص‌هایی که نشان می‌دهد این تلاش‌ها و توافقات منطقه‌ای به نتیجه رسیده، میزان ترانزیت عبوری از کشور است.

او با اشاره به آمار ترانزیت کشور گفت: براساس آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۴۰۲ میزان ترانزیت کالا از خاک ایران به ۱۷۰۷ میلیون تن رسید که بالاترین رکورد ثبت شده در تاریخ کشور است. رکورد قبلی مربوط به سال ۱۳۹۳ با حدود ۱۳ میلیون تن بود. البته در دوره‌ای به دلیل شیوع کرونا کاهش‌هایی داشتیم، اما در سال‌های اخیر جهش قابل توجهی رخ داد. بذریاش در ادامه با اشاره به موضوع مسکن گفت: مسکن یکی از سخت‌ترین پروژه‌ها در کشور است و بسیاری از دولت‌ها برای راحتی کار، با اعلام عدم مداخله از زیر بار مسئولیت آن شانه خالی می‌کنند. اما شهید رئیسی چنین رویکردی نداشت.

وی اضافه کرد: زمانی که موضوع ساخت چهار میلیون واحد مسکونی مطرح شد، برخی می‌پرسیدند چرا دولت سیزدهم بود؛ اینکه دولت خود را متعهد کند و همه اجزای آن را برآی تحقق یک اپروژه بسنج کند. وزیر سابق راه و شهرسازی ادامه داد: شهید رئیسی ۱۸ جلسه شورای عالی مسکن برگزار کرد. وقتی رئیس جمهور چنین جلساتی را به طور مستمر برگزار می‌کند، یعنی مسکن را به عنوان جدی‌ترین پروژه دولت دنبال می‌کند. علاوه بر آن، جلسات هفتگی با حضور بنده و تیم‌های تخصصی برای بررسی موضوعات مختلف مسکن، از تأمین مالی تا تأمین زمین، برگزار می‌شد. این اقدامات نشان می‌دهد که دولت به استانداران، فرمانداران و سایر دستگاه‌ها پیام می‌دهد که مسکن مهم‌ترین پروژه دولت است.

بذریاش با اشاره به مدت فعالیت دولت سیزدهم افزود: عمر این دولت دو سال و هشت ماه بود و حتی به یک دوره چهار ساله کامل هم نرسید تا بتوان قضاوت کاملی انجام داد. با این حال، نتایج این تلاش‌ها در شاخص‌های اقتصادی قابل مشاهده است. وی ادامه داد: یکی از این شاخص‌ها رشد ارزش افزوده در بخش ساختمان و مسکن است. براساس آمار بانک مرکزی، رشد این بخش که در ابتدای دولت حدود منفی ۶.۹ درصد بود، در سال ۱۴۰۲ به مثبت ۲.۱ درصد رسید.

وزیر سابق نفت در گفت‌وگوی اختصاصی با نوبنیاد از نقش شهید جمهور در افزایش صادرات نفت خبر داد:

دولت بن بست شکن

شهید رئیسی در سال ۱۴۰۰ در حالی مسئولیت مدیریت اجرایی کشور را به دست گرفت که دولت در محاصره بحران‌های گوناگونی، به‌ویژه در حوزه اقتصادی قرار داشت؛ بحران‌هایی که حتی مدیران دولت حسن روحانی آن را بی‌سابقه توصیف می‌کردند. با این حال، دولت سیزدهم از شهریور ۱۴۰۰ کار را در شرایطی آغاز کرد که بی‌عملی سیاست‌گذار در سال‌های پس از ۱۳۹۷ (شوگ تحریم)، وضعیت اقتصاد ایران را به حالت اورژانسی

حمید کمار روزنامه نگار

در دولت شهید رئیسی، با اتخاذ دیپلماسی انرژی فعال در منطقه و هماهنگی وزارت امور خارجه و وزارت نفت، شرایط صادرات نفتی کشور تغییر کرد. براساس آمارها و شواهد، در طول سه سال فعالیت دولت سیزدهم، صادرات نفت کشور از کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه به بیش از یک و نیم میلیون بشکه در روز رسید که نشان دهنده جهشی بیش از سه برابر است. دولت سیزدهم زیرساختی را برای فروش نفت شکل داد که تا امروز (در دولت چهاردهم) نیز تداوم دارد؛ به طوری که حتی با وقوع «جنگ رمضان» و محاصره دریایی ایران، صادرات نفت کشورمان کاهش نیافته است. منتقدان دولت سیزدهم اما افزایش رقم صادرات نفت را به «لطف بایدن» نسبت می‌دهند. آن‌ها می‌گویند با روی کار آمدن بایدن در آمریکا، سخت‌گیری‌های تحریمی علیه ایران کاهش یافت و همین موضوع باعث افزایش صادرات نفت شد؛ بنابراین دولت سیزدهم هیچ نقشی در این زمینه نداشته است. منتقدان شهید رئیسی می‌پرسند: «مگر دولت سیزدهم و به‌طور خاص شهید رئیسی برای افزایش صادرات نفت چه کرد؟» جواد اوجی، وزیر نفت دولت سیزدهم،



است. او از پیگیری‌های شهید رئیسی در سطح بین‌الملل گفت که منجر به شکستن بن‌بست‌های صادراتی و پیشبرد پروژه‌های نفتی شد. اوجی از نقش مستقیم شهید جمهور در پیشبرد دیپلماسی انرژی، افزایش صادرات نفت و نیز گشودن گره‌ای مهم در حوزه انرژی سخن گفت که در ادامه، جزئیات آن را می‌خوانید.

صادرات نفت قبل از دولت سیزدهم ۴۰۰ هزار بشکه بود

وی در آغاز این گفت‌وگو اظهار کرد: تقریباً ۱۷ ماه از آغاز دولت شهید رئیسی گذشته بود که تمام تلاش وزارت نفت و تیم ما، به ویژه در حوزه بین‌الملل و صادرات نفت، باعث شد صادرات نفت از ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز (قبل از دولت سیزدهم) به روزانه حدود یک میلیون و ۲۵۰ تا یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه برسد.

اوجی افزود: در موضوع صادرات، بعضی کشورها از جمله چین، به شرکت‌ها و پالایشگاه‌های خود فشار می‌آوردند که به دلیل تحریم‌های آمریکا و محدودیت‌های موجود، از ایران نفت نخرند. من خدمت آقای امیرعبداللهیان رسیدم و با ایشان صحبت کردم. گفتیم ما تمام تلاشمان را کرده‌ایم و به صادرات حدود یک میلیون و ۲۸۰ تا ۲۸۰ هزار بشکه نفت در روز رسیده‌ایم، اما کار در این حوزه بسیار دشوار است. ما هنوز می‌توانیم ظرفیت صادرات روزانه خود را ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار بشکه دیگر افزایش دهیم؛ چراکه در بحث نفت خام، دیپلماسی انرژی باید کمک کند.

وزیر سابق نفت ادامه داد: بسیاری از پالایشگاه‌ها، از جمله در چین، به نفت ایران نیاز دارند، اما دولت‌مردان چین باید به پالایشگاه‌های خود مجوز و چراغ سبز نشان بدهند تا صادرات افزایش یابد. خدا رحمت کند آقای امیرعبداللهیان را؛ وزارت امور خارجه در زمان ایشان تلاش‌های خود را انجام داد، اما نتیجه مطلوبی حاصل نشد. در نهایت خود شهید بزرگوار (امیرعبداللهیان) پیشنهاد داد که آقای رئیسی وارد ماجرا شود تا از ظرفیت ایشان در بحث صادرات نفت و دیپلماسی انرژی، به خصوص در گفت‌وگو با رئیس جمهور چین، استفاده شود و دولت‌مردان چین به پالایشگاه‌های دولتی و خصوصی خود چراغ سبز نشان دهند.

گره‌ای که به دست شهید رئیسی باز شد
وی گفت: وقتی به اتفاق شهید امیرعبداللهیان خدمت آقای رئیسی رفتیم، عرض کردیم اگر بخواهیم صادرات نفت را سریع‌تر افزایش دهیم، دیپلماسی انرژی باید وارد میدان شود و با ریزنی نزد

درآورده بود. یکی از شاخص‌ترین بحران‌های اقتصادی در آن مقطع، افت شدید صادرات نفت بود. کاهش شدید فروش نفت، به کاهش درآمدهای ارزی دولت انجامید؛ مسئله‌ای که سبب بروز کسری بودجه شدید، ناتوانی دولت در اجرای تعهدات قانونی خود (از جمله اجرای پروژه‌های عمرانی و زیرساختی)، افزایش شدید بدهی‌های دولت، کاهش عرضه ارز در بازار، افزایش نرخ ارز و در نهایت بروز شوک تورمی به اقتصاد کشور شد.

دولتمردان چین، محدودیت‌ها کمتر شود تا شرکت‌های پالایشی بزرگ دولتی و غیردولتی بتوانند نفت بیشتری خریداری کنند. پیشنهاد شد که آقای مخبر این موضوع را مطرح کند و گفتند سفری که به اتفاق ایشان به چین دارید، در همان مسیر پیگیری و جلساتی برگزار شود.

وزیر نفت دولت سیزدهم افزود: وقتی این موضوع را با آقای مخبر مطرح کردیم، ایشان گفتند این گره به دست خود حاج آقا (شهید رئیسی) باز می‌شود و هیچ‌کس بهتر از خود رئیس جمهور نیست که در همان سطح مذاکره کند و دیپلماسی انرژی را پیش برد تا بتوانیم صادرات را روز به روز افزایش دهیم. اوجی ادامه داد: سپس به شهید رئیسی گفتیم که آقای مخبر هم نظرش بر این است که خود شما این مذاکرات را انجام دهید. ایشان گفتند من حرفی ندارم. بعد کارکنان معاونت سیاسی را بسیج کردند و از آن‌سوهم حوزه امور خارجه پیگیری کرد تا در برنامه سفر به چین، این بخش از مذاکرات گنجانده شود و خود ایشان (شهید رئیسی) ورود کنند. جلسات مختلفی برگزار شد و خدمت شهید رئیسی رفته و توضیح دادم که ظرفیت صادرات به چین تا دو میلیون بشکه هم وجود دارد؛ یعنی اگر تولید نفت افزایش یابد، می‌توانیم تا دو میلیون بشکه در روز به چین صادرات داشته باشیم.

او خاطر نشان کرد: جالب اینجاست که در گذشته، پیش از تحریم‌ها، تا دو میلیون بشکه در روز نفت خام به چین صادر می‌کردیم. پالایشگاه‌های چین هم با نفت سبک، سنگین و فوق سنگین ایران سازگاری دارد. امروز هم چین نزدیک ۱۴ تا ۱۵ میلیون بشکه نفت وارد می‌کند که از این مقدار، حدود یک تا دو میلیون بشکه برای ذخایر استراتژیک کنار می‌گذارد؛ بنابراین چین ظرفیت پذیرش نفت ما را دارد. با توجه به رشد اقتصادی ۵ درصدی، چین سبب انرژی متنوعی دارد. در آن زمان بخش کوچکی از واردات نفت چین متعلق به ما بود و بخشی هم متعلق به روسیه، ونزوئلا، عربستان سعودی و دیگر کشورها. گفتیم می‌توانیم سبب انرژی واداتی آنها را متنوع‌تر کنیم تا نفت جمهوری اسلامی ایران را بیشتر در سبد خود قرار دهند؛ چراکه ما می‌توانیم تأمین‌کننده پایدار امنیت انرژی چین باشیم.

نقش رئیس جمهور شهید در افزایش صادرات نفت به چین

وزیر سابق نفت گفت: همچنین فهرست پالایشگاه‌هایی را که ظرفیت پذیرش نفت ایران را داشتند، تهیه کردیم. در جلساتی که به اتفاق شهید رئیسی بودیم، توضیحات فنی کامل ارائه شد و ایشان کاملاً به بحث مسلط شدند. خوشبختانه در جلسه خصوصی که با

یادداشت

پیامی برای خاموش کردن چراغ تولید و رشد اقتصاد غیرمولد

محمود کریمی بیرانوند
کارشناس مسائل اقتصادی

به پیام زیردقت کنید که توسط بازوی پیامرسان «بله» برای ۳۷ میلیون عضو آن ارسال می‌شود: «سلام؛ من بازوی سرمایه‌گذاری بله هستم. با کمک من می‌تونی با خیال راحت طلا بخری؛ خرید با بودجه کم، حتی ۱ میلی‌گرم؛ بدون اجرت و مالیات؛ خرید و فروش ۲۴ ساعته. هر وقت خواستی می‌تونی طلای رو فیزیکی هم تحویل بگیری.» چند نکته در نقد این رویکرد وجود دارد.

۱- ابتدای پیام به گونه‌ای طراحی شده که مخاطب تصور می‌کند با مجموعه‌ای آموزشی یا مشاوره‌ای در حوزه سرمایه‌گذاری روبه‌رو است، اما بلافاصله با پیشنهادی تک بعدی مواجه می‌شود: «فقط طلا».

۲- این پیام که برای نیمی از جمعیت ایران ارسال و احتمالاً مکرراً تکرار می‌شود، این ذهنیت را به مخاطب القا می‌کند که در این اقتصاد، سرمایه‌گذاری یعنی طلا و طلا یعنی سرمایه‌گذاری؛ پس نباید به دنبال فعالیت تولیدی رفت! این سیستم ۲۴ ساعته در خدمت شماسست تا نگران چیزی نباشید. گویا برای فعالیت‌های غیرتولیدی، هیچ محدودیت فنی یا زمانی وجود ندارد!

۳- پیام مذکور حس «خرید و فروش سریع» را در کالایی استراتژیک و غیرتولیدی مانند طلا در ذهن مخاطب نهادینه می‌کند. در واقع، این رویکرد کاربرد اصلی طلا (زینتی و مصرفی) را از ذهن خارج کرده و آن را به ابزاری برای سفته‌بازی تبدیل می‌کند؛ به عبارتی، عملیات تبدیل «کالای مصرفی» به «کالای سرمایه‌ای» را به شکلی اغواگرانه انجام می‌دهد.

۴- نکته تأمل برانگیزتر آنکه «بله» زیرمجموعه بانک ملی است. این چرخه زمانی آسیب‌زاتی می‌شود که بدانیم نظام بانکی خود از عوامل اصلی تورم است. همین بانک که نیمی از جمعیت کشور را در پیامرسان خود دارد، آنها را به سرمایه‌گذاری در طلا سوق می‌دهد که خود محرک تورم است؛ و این دور باطل مدام تکرار می‌شود. گویی سیستم بانکی غیرتولیدی ما به سفته‌بازی در مسکن و ارز اکتفا نکرده و توده مردم را نیز به زمین بازی سفته‌بازی می‌کشاند، بی‌آنکه نهادی برای عملکرد نظارت کند.

۵- متأسفانه «فرهنگ اقتصادی» مردم هیچ‌گاه دغدغه اصلی نبوده است. حاکمیت نباید با روش‌های گوناگون، فرهنگ ضدتولید را ترویج کند که این پیام تنها یک نمونه از صدها اختلال در حوزه فرهنگ اقتصادی است. این در حالی است که سیاست‌های کلی تولید ملی، اقتصاد مقاومتی و بیانات بزرگان انقلاب، همگی بر «فرهنگ» به عنوان زیرساخت پیشرفت اقتصادی تأکید دارند. با این حال، این حوزه در حاکمیت متولی مشخصی ندارد و روزبه‌روز نحیف‌تر می‌شود.

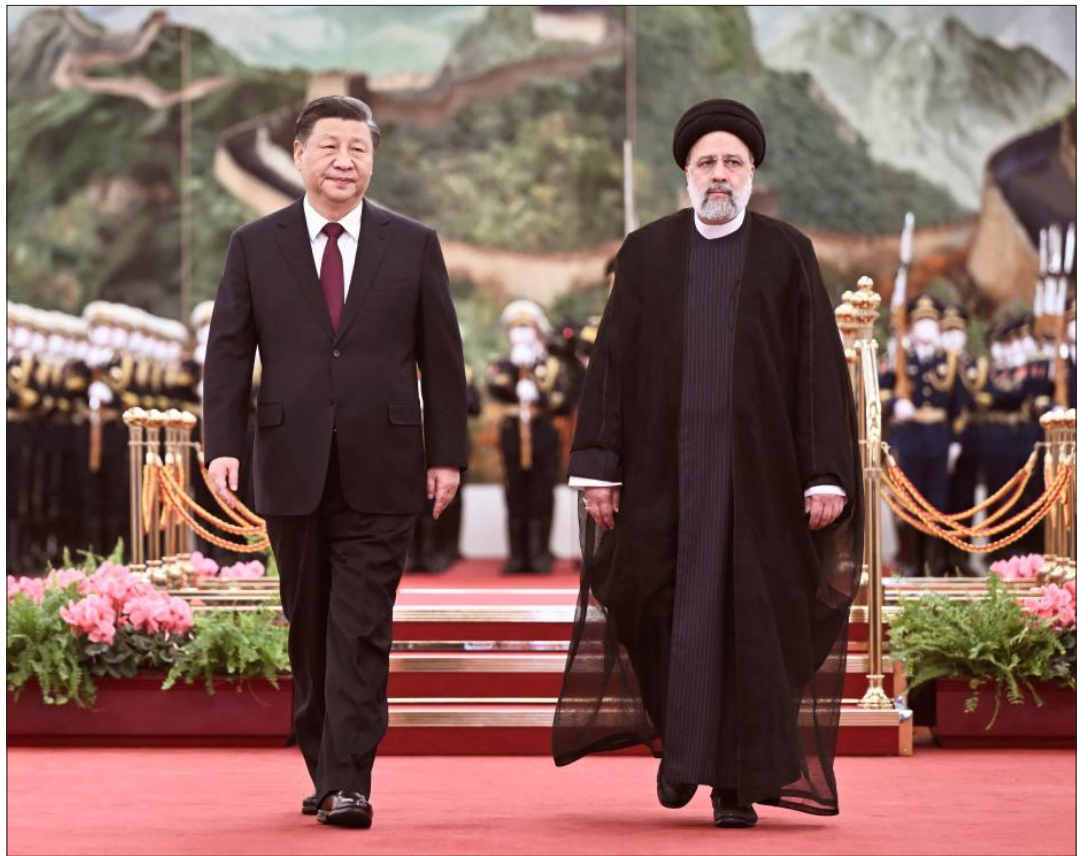
اصول قانون اساسی ما پیامی جز زربنا بودن فرهنگ برای اقتصاد ندارد و هیچ عقل سلیمی فرهنگ ضدتولیدی را مبنای اقتصاد مقاومتی نمی‌داند. در حالی که هزاران اقدام ضدتولیدی در فرهنگ ما ترویج می‌شود، واکنشی از سوی مسئولان دیده نمی‌شود؛ اما برای کاهش مصرف، مدام در گوش مردم زمزمه می‌کنند که نخورید، نپوشید و مصرف نکنید. واضح است که مقصود، دفاع از مصرف مسرفانه نیست (چنان‌که در سیاست‌های کلی اصلاح‌الگوی مصرف تبیین شده است)، اما مسئله اینجاست که نمی‌توان جامعه را «ضدتولیدی» بار آورد و سپس انتظار داشت مصرفش مسرفانه نباشد. اگر فرهنگ اقتصادی ضدتولید باشد، قطعاً مصرف جامعه با اسراف و تبذیر همراه خواهد بود. شترسواری

دولا دولا نمی‌شود!

جهش ۳۰۰ درصدی درآمد نفتی ایران در دولت سیزدهم

دولت سیزدهم در تولید نفت، رشدی حدود ۷۰ درصد را ثبت کرد که در کمتر از سه سال، بی‌نظیر است. این در حالی است که اقدامات در این حوزه متوقف نشد و رشد تولید نفت به افزایش صادرات و درآمدزایی انجامید؛ به طوری که درآمد نفتی کشور از سالانه زیر ۱۰ میلیارد دلار (در سال ۱۴۰۰) به حدود ۳۶ میلیارد دلار رسید. این درآمد تنها از محل فروش نفت خام و میعانات گازی به دست آمده است. این اعداد نشان‌دهنده جهش ۳۰۰ درصدی درآمد نفتی ایران

در دولت سیزدهم است. همچنین به واسطه رویکرد دولت سیزدهم در صنعت نفت، این بخش از رشد منفی به رشد بیش از ۲۰ درصدی در سال دست یافت. از سوی دیگر، جهش سه برابری صادرات نفت خام و میعانات گازی کشور و دستیابی به رکورد بالاترین حجم صادرات از سال ۱۳۹۷ محقق شد. مجموع این اقدامات سبب شد رشد ۲۷۵ درصدی وصول درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی حاصل شود.



شهید رئیسی مطرح کردیم و گفتیم روس‌ها حاضر نیستند کشتی را به ما بدهند. این کشتی برای ما بسیار حیاتی است و به دلیل تحریم‌ها کسی حاضر نیست کشتی مشابهی به ما اجاره بدهد. اگر این کشتی نیاید، نمی‌توانیم تولید گاز فاز ۱۱ پارس جنوبی را اجرایی کنیم. او گفت: شهید رئیسی اطلاعات را گرفتند و در اجلاس کشورهای حوزه دریای خزر در ترکمنستان که آقای پوتین رئیس‌جمهور روسیه هم حضور داشت، با او صحبت کردند که به شرکت روسی دستور بدهد قرارداد کشتی اوشنیک را فسخ کنند. ما حتی حاضر بودیم خسارت فسخ قرارداد را هم پرداخت کنیم.

پاسخ پوتین به درخواست شهید رئیسی

وزیر نفت در دولت سیزدهم بیان کرد: وقتی آقای رئیسی این موضوع را مطرح کردند و من توضیحات فنی را دادم، آقای پوتین که ارادت خاصی به آقای رئیسی داشتند، در همان جلسه قول دادند که پس از بازگشت به روسیه، این مسئله را حل کنند. خود آقای پوتین بر شرکت گازپروم اشراف داشتند، چون زمانی رئیس هیئت مدیره آن شرکت بودند.

اوچی ادامه داد: چند روز بعد، از طریق آقای جلالی سفیر ایران در روسیه مطلع شدیم که روس‌ها از تیم ما خواسته‌اند برای فسخ قرارداد مراجعه کنند. کار بزرگ این بود که قرارداد بدون دریافت هیچ خسارتی از سوی روس‌ها لغو شد؛ در شرایطی که خودشان هم به این کشتی نیاز داشتند. کشتی آزاد و منجر به این شد که بتوانیم سازه ۳۵۰۰ تنی را جابه‌جا کرده و فاز ۱۱ پارس جنوبی را سه سال زودتر به تولید برسانیم؛ که در نهایت در شهریورماه ۱۴۰۲ با حضور خود شهید رئیسی به بهره‌برداری رسید.

او در پایان گفت: هر جا در دیپلماسی کم می‌آوردیم، به شهید رئیسی متوسل می‌شدیم و ایشان هم از ورود به موضوع ابایی نداشتند. شهید رئیسی با نفوذ و اعتباری که نزد کشور روسیه و چین داشتند، برای حل مشکلات افزایش صادرات و تولید نفت و گاز کمک می‌کردند.

شد، باعث شد در همان جلسه بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه به صادرات روزانه نفت ایران افزوده شود.

اوچی در ادامه با اشاره به تماس تلفنی شهید رئیسی گفت: ورود شهید رئیسی به موضوع صادرات نفت، بسیار کمک‌کننده بود. همین دیپلماسی انرژی یعنی ایشان شخصاً وارد میدان شدند، کمک کردند و رئیس‌جمهور چین و به تبع آن دولتمردان چینی را متقاعد کردند. در همان سفر و با پیگیری‌های بعدی، شاهد بودیم که مجوز واردات نفت بسیاری از پالایشگاه‌های چینی از ایران افزایش یافت و از دولت چین چراغ سبز گرفته بودند. این ماجرا کمک شایانی به صادرات نفت کشورمان کرد.

بهره‌برداری شهید جمهوری از فاز ۱۱ پارس جنوبی

اوسپس فاز ۱۱ پارس جنوبی اشاره کرد و گفت: شهید رئیسی در زمینه دیپلماسی انرژی اقدامات دیگری هم داشت. در مقطعی ما به کشتی اوشنیک نیاز داشتیم. این کشتی متعلق به صندوق بانزشتگی وزارت نفت بود که هم در پارس جنوبی کار لوله‌گذاری گاز در دریا را انجام می‌داد و هم برای جابه‌جایی سازه‌های دریایی بالای ۳ هزار تن استفاده می‌شد. در آن مقطع برای راه‌اندازی فاز ۱۱ پارس جنوبی، مجبور بودیم سکوی ۱۲ را به فاز ۱۱ منتقل کنیم. یکی از مشکلات ما، حمل

لجستیک این سازه ۳۵۰۰ تنی بود. وزیر سابق نفت تصریح کرد: با دولتمردان روسیه رایزنی انجام شد. این کشتی در دولت آقای روحانی و زمان وزارت بیژن زنگنه به روس‌ها اجاره داده شده بود و آنها از این کشتی در منطقه سیبری استفاده می‌کردند. شرکت گازپروم حاضر نبود قرارداد اجاره پنج‌ساله را فسخ کند تا ما فاز ۱۱ را به تولید و بهره‌برداری برسانیم. این کشتی تنها شناوری بود که می‌توانست سازه ۳۵۰۰ تنی سکوی ۱۲ را جابه‌جا کند. اوچی ادامه داد: همه راه‌ها را رفتیم اما نتیجه نگرفتیم؛ حتی تلاش‌های آقای کاظم جلالی سفیر ایران در روسیه هم نتوانست موضوع را حل کند. ما جابجا را با

آقای شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین برگزار شد (که بسیار طولانی‌تر از زمان مقرر بود)، شهید رئیسی صحبت‌های لازم را مطرح کردند. نقش رئیس‌جمهور برای افزایش صادرات به چین در آن مقطع، بسیار بزرگ و کلیدی بود.

اوچی بیان کرد: در آن جلسه صحبت شد که ایران بیش از ۳ میلیون و ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه ظرفیت تولید نفت خام دارد و در برخی مقاطع تا ۲ میلیون بشکه به چین صادرات داشتیم. پالایشگاه‌های چینی هم با نفت ایران سازگاری دارند. در حال حاضر هم روزانه بین یک میلیون و ۲۰۰ تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه از ایران وارد می‌کنند و ظرفیت بیشتری هم دارند. پالایشگاه‌ها برای خرید نفت بیشتر مشتاق‌اند، اما می‌گویند دولت باید چراغ سبز نشان دهد و محدودیت ایجاد نکند.

او ادامه داد: آقای رئیسی در جلسه با آقای شی، موضوع را کاملاً تشریح کردند. آقای شی پرسید شما چقدر می‌توانید صادرات کنید؟ در آن مقطع ایران حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز به چین صادر می‌کرد. شهید رئیسی گفتند ما می‌توانیم تا ۲ میلیون بشکه نفت به چین صادر کنیم. آقای رئیسی گفتند ما برای تحریم‌های آمریکا هم روش خاصی داریم. همین الان هم حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه به کشور شما صادر می‌کنیم؛ ما راه ارسال نفت به شما را می‌دانیم و پالایشگاه‌های چینی هم متقاضی نفت ایران هستند، تنها باید شما به آنها چراغ سبز نشان دهید. آقای شی در همان جلسه با مشاورانش و حتی تلفنی با رئیس سازمان ملی انرژی چین صحبت کرد.

وزیر نفت دولت سیزدهم اظهار داشت: در همان سفر، من همراه آقای رئیسی در مذاکرات بودم. رئیس سازمان ملی انرژی چین، فردای آن جلسه مرا به جلسه‌ای دعوت کرد و شرکت‌های پالایشی دارای توانایی دریافت نفت ایران را نیز فراخواند. آنجا رودر رو با خود پالایشگاه‌ها مذاکره کردیم، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و آنالیز نفت‌مان را ارائه کردیم و راهکارهایی مطرح شد. این مذاکرات که در نتیجه صحبت‌های شهید رئیسی با رئیس‌جمهور چین انجام

یادداشت

ترامپ مغضوب آمریکایی‌ها

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

تحولات ماه‌های اخیر منطقه، یک واقعیت مهم را بیش از هر زمان دیگری آشکار کرده است؛ اینکه متحدان عرب واشنگتن، آرام‌آرام در حال بازنگری در نوع رابطه خود با آمریکا هستند. همان‌گونه که اروپا پس از تجربه جنگ اوکراین و هزینه‌های سنگین تبعیت کورکورانه از سیاست‌های کاخ سفید به فکر فاصله‌گذاری با واشنگتن افتاده، اکنون برخی دولت‌های عربی نیز به این جمع‌بندی رسیده‌اند که قرار گرفتن در زمین بازی آمریکا، نه امنیت می‌آورد و نه ثبات؛ بلکه تنها هزینه، ناامنی و بحران تولید می‌کند.

جنگی که دونالد ترامپ علیه ایران طراحی و شعله‌ور کرد، قرار بود به ادعای آمریکایی‌ها، «نظم جدید منطقه‌ای» ایجاد کند؛ اما نتیجه چه شد؟ نه ایران تضعیف شد، نه محور مقاومت فروپاشید و نه دولت‌های عربی به امنیت پایدار رسیدند. در مقابل، زیرساخت‌های اقتصادی منطقه آسیب دید، سرمایه‌گذاری‌ها متزلزل شد، بازار انرژی دچار التهاب گردید و دولت‌های عربی فهمیدند که در صورت بروز بحران واقعی، آمریکا حتی قادر به حفاظت از متحدان خود و حتی خود نیز نیست.

در همین چارچوب، گزارش اخیر روزنامه لبنانی الاخبار اهمیت ویژه‌ای دارد. این رسانه عرب‌زبان فاش کرده که نشانه‌های شکاف میان ریاض و واشنگتن نسبت به تحولات منطقه‌ای، بیش از گذشته آشکار شده است. بر اساس این گزارش، عربستان سعودی طی روزهای اخیر رایزنی‌های فشرده‌ای را با کشورهای عربی و حاشیه خلیج فارس آغاز کرده تا درباره نحوه تعامل با ایران در مرحله پساجنگ به موضعی مشترک برسند.

اهمیت این تحولات در آن است که سعودی‌ها اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌های آمریکا، کشورهای عربی را ناخواسته وارد مدار تنش با تهران کرده است؛ تنشی که سودی برای آنان نداشته است. منابع مصری که با الاخبار گفت‌وگو کرده‌اند، تصریح دارند که در ریاض نوعی بی‌اعتمادی نسبت به تصمیمات واشنگتن شکل گرفته؛ زیرا آمریکا جنگ را آغاز می‌کند، دامنه بحران را گسترش می‌دهد، اما در لحظه حساس یا عقب‌نشینی می‌کند یا صرفاً منافع رژیم صهیونیستی را در نظر می‌گیرد.

همین تجربه، امروز کشورهای عربی را به سمت بازتعریف روابط منطقه‌ای سوق داده است. آنچه بیش از همه برای دولت‌های عربی آشکار شده، این است که آمریکا دیگر آن قدرت بلامناع دهه‌های گذشته نیست. اکنون جهان عرب به تدریج در حال درک این حقیقت است که امنیت منطقه باید از درون منطقه تأمین شود، نه از طریق اتکا به قدرتی فرامنطقه‌ای که تنها به دنبال فروش سلاح، ایجاد بحران و تضمین منافع رژیم صهیونیستی است. شاید هنوز راه درازی تا تغییر کامل راهبردهای عربی باقی مانده باشد، اما همین تردید و بی‌اعتمادی فزاینده نسبت به واشنگتن، نشانه آغاز یک تغییر مهم ژئوپلیتیکی در غرب آسیاست.

Trump Threatens Iran and Then Pulls Back, All in the Same Day

President Trump has repeatedly said he'll restart military action against Iran, only to step short of plunging the United States directly back into an unpopular war.

احسان میرباقری
روزنامه‌نگارترامپ مغضوب
آمریکایی‌ها

از منظر سیاسی ترامپ در وضعیت دشواری قرار گرفته است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اکثریت مردم آمریکا مخالف سیاست‌های ترامپ را عامل افزایش هزینه‌های اقتصادی و افزایش بی‌ثباتی می‌دانند. این نارضایتی داخلی برای ترامپ خطرناک‌تر از میدان نبرد است؛ زیرا او اکنون با جنگی مواجه شده که نه پیروزی قطعی در آن به دست آورده آبرومندانه از آن را دارد.

جنگی که قرار بود به ادعای ترامپ ظرف چند هفته و حتی چند روز به قول خودشان کار ایران را تمام کند، اکنون به بحرانی فرسایشی برای آمریکا و متحدانش تبدیل شده است؛ بحرانی که نه تنها اهداف واشنگتن را محقق نکرده بلکه نشانه‌های آشکار شکست راهبرد فشار حداکثری و افول قدرت آمریکا را حتی در رسانه‌های اصلی غربی نیز نمایان کرده است. رسانه‌های آمریکایی و غربی این روزها تصویری متفاوت از واقعیت میدان ارائه می‌کنند. تصویری که در آن، ایران برخلاف تبلیغات اولیه نه تنها فروپاشیده بلکه توانسته هزینه‌های سنگینی بر آمریکا، رژیم صهیونیستی و اقتصاد جهانی تحمیل کند. تصویری که ترامپ به شدت از آن دل خوشی ندارد و شاید روزی نباشد که رسانه‌های کشور خودش و غربی را با عنوان فیک نیوز قلمداد نکند، حال آنکه باید شکست خود را بپذیرد.

در همین چارچوب، روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز از سردرگمی ترامپ در مواجهه با ایران سخن می‌گوید. این روزنامه اذعان می‌کند که رئیس‌جمهور آمریکا بارها از حمله گسترده به ایران سخن گفته اما هر بار در واپسین لحظات عقب‌نشینی کرده است. این رفت‌وبرگشت‌های مکرر میان تهدید و عقب‌نشینی، بیش از هر چیز نشان‌دهنده هراس واشنگتن از تبعات مجدد ورود به یک جنگ مستقیم و غیرقابل کنترل با جمهوری اسلامی ایران است.

به گزارش این رسانه، مقام‌های نظامی آمریکا نیز به شکست بخشی از محاسبات خود اعتراف می‌کنند. آنها اذعان دارند ایران توانسته بخش مهمی از سایت‌های موشکی خود را بازسازی کند، تاکتیک‌های دفاعی‌اش را ارتقا دهد و حتی الگوهای

رویترزو نیویورک تایمز فاش کردند

ایران، کابوس
این روزهای ترامپ

رسانه‌های اصلی غربی این روزها ناخواسته به واقعیتی اعتراف می‌کنند که کاخ سفید تلاش داشت آن را پنهان کند؛ اعترافی که ترامپ از آن دل خوشی ندارد و باید به جای مورد خطاب قرار دادن این رسانه‌ها به عنوان فیک نیوز دست بردارد و واقعیت میدان یعنی شکست را بپذیرد.

آمریکا در موقعیت آسیب‌پذیری

در این میان، مسئله تنگه هرمز به مهم‌ترین کابوس راهبردی آمریکا تبدیل شده است. رسانه‌های غربی اذعان می‌کنند که ایران نه تنها برای گذرگاه حیاتی تسلط دارد بلکه از طریق محور مقاومت و نفوذ منطقه‌ای خود، امکان اثرگذاری بر باب‌المنذب را نیز در اختیار دارد.

این بدان معناست که ایران می‌تواند همزمان دو شاهراه حیاتی تجارت جهانی را تحت فشار قرار دهد؛ مسئله‌ای که به گفته تحلیلگران غربی، آمریکا را در موقعیتی بی‌سابقه از آسیب‌پذیری قرار داده است. رویترز در گزارشی عنوان کرد، از منظر سیاسی نیز ترامپ در وضعیت دشواری قرار گرفته است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اکثریت مردم آمریکا مخالف ادامه جنگ هستند و سیاست‌های ترامپ را عامل افزایش هزینه‌های اقتصادی و بی‌ثباتی می‌دانند.

این نارضایتی داخلی برای ترامپ خطرناک‌تر از میدان نبرد است؛ زیرا او اکنون با جنگی مواجه شده که نه پیروزی قطعی در آن به دست آورده و نه امکان خروج آبرومندانه از آن را دارد.

رویترز می‌افزاید که در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نشان داده که آماده تحمل فشارهای سنگین است و تسلیم را مغایر هویت و استقلال خود می‌داند. همین مسئله موجب شده بسیاری از کارشناسان غربی اذعان کنند که هیچ راه حل نظامی سریعی برای مقابله با ایران وجود ندارد.

جفت پوچ برای ترامپ

حتی در برخی تحلیل‌های منتشرشده در رسانه‌های غربی تأکید شده که کنترل کامل تنگه هرمز بدون اشغال گسترده زمینی ایران ممکن نیست؛ اقدامی که آمریکا نه توان مالی و نظامی آن را دارد و نه افکار عمومی داخلی‌اش چنین جنگی را تحمل خواهد کرد.

رویترز در گزارش خود تأکید می‌کند، ترامپ که با شعار قدرت‌نمایی وارد این بحران شد، امروز در موقعیتی قرار گرفته که هر تصمیمش هزینه‌زاست؛ اگر حمله کند، با پاسخ سخت و بحران اقتصادی گسترده روبرو خواهد شد و اگر عقب‌نشینی کند، به شکست سیاسی و راهبردی خود اعتراف کرده است.

در نهایت، مجموعه این گزارش‌ها نشان می‌دهد پروژه آمریکا و رژیم صهیونیستی برای شکستن ایران نه تنها به نتیجه نرسیده بلکه موجب افزایش قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی و آشکار شدن محدودیت‌های قدرت آمریکا شده است؛ واقعیتی که اکنون حتی رسانه‌های غربی نیز قادر به پنهان کردن آن نیستند.

پروازی جنگنده‌های آمریکایی را شناسایی کند.

شکست تصویر شکست‌ناپذیر

اعتراف به هدف قرار گرفتن جنگنده‌ها ی پیشرفته آمریکایی از جمله F-۱۵ و آسیب دیدن F-۳۵، ضربه‌ای جدی به تصویر شکست‌ناپذیری ارتش آمریکا وارد کرده است. این مسئله نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران نه تنها توان دفاع از خود را حفظ کرده بلکه توانسته پیچیده‌ترین فناوری‌های نظامی آمریکا را نیز با چالش روبرو کند.

از سوی دیگر، رسانه‌های رویترز نیز اذعان کرد که ایران همچنان ظرفیت ضربه‌زدن به اقتصاد جهانی را در اختیار دارد. اهمیت این مسئله زمانی روشن‌تر می‌شود که این خبرگزاری از وارد آمدن دست‌کم ۲۵ میلیارد دلار خسارت به شرکت‌های بین‌المللی در نتیجه بحران ناشی از جنگ سخن می‌گوید.

افزایش شدید قیمت نفت، جهش هزینه‌های حمل‌ونقل، اختلال در زنجیره تأمین کالا و بحران در صنایع بزرگ جهانی تنها بخشی از پیامدهایی است که اکنون اقتصاد غرب با آن روبرو شده است. شرکت‌های بزرگ آمریکایی و اروپایی از خطوط هوایی گرفته تا صنایع خودروسازی و کالاهای مصرفی، نسبت به زیان‌های سنگین هشدار داده‌اند.

این خبرگزاری عنوان می‌کند، ابزاری که آمریکا قصد داشت از آن برای فشار بر ایران استفاده کند، اکنون به عاملی علیه خود غرب تبدیل شده است. کنترل راهبردی ایران بر تنگه هرمز و توانایی تهران در تأثیرگذاری بر مسیر انرژی جهان، نشان داده که حذف ایران از معادلات منطقه‌ای و جهانی یک توهّم پرهزینه بوده است.

نیویورک تایمز آشکارا درباره قدرت بازدارندگی ایران سخن می‌گوید. تحلیلگران نقل شده در این گزارش‌ها تأکید می‌کنند که ایران در صورت آغاز دور جدید درگیری، توان شلیک روزانه ده‌ها یا حتی صدها موشک را دارد و می‌تواند زیرساخت‌های انرژی منطقه را هدف قرار دهد.

همین مسئله باعث شده کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز نسبت به گسترش جنگ ابراز نگرانی کنند. حتی برخی دولت‌های منطقه از آمریکا خواسته‌اند حملات جدید را متوقف کند؛ زیرا به خوبی می‌دانند هرگونه جنگ گسترده، امنیت انرژی و اقتصاد منطقه را به شدت تهدید خواهد کرد.

دومین پرونده از سه‌گانه سیاست خارجی دولت شهید رئیسی؛ از جهان غیرغربی تا شکستن حلقه فشار

هشت سال وعده، سه سال اقدام

سه‌گانه بررسی کارنامه دولت شهید سید ابراهیم رئیسی در عرصه سیاست خارجی، این بار به یکی دیگر از اضلاع موفقیت دولت سیزدهم می‌رسد؛ میدان مهار تحریم و فشار. اگر پرونده نخست در شماره روز گذشته نوبنیاد، روایت چرخش راهبردی ایران به سوی

جهان غیرغربی بود، این شماره درباره بازسازی اقتصادی کشوری است که در مرداد ۱۴۰۰ با تکیه بر سیاست خارجی اشتباه با خزانه‌ای خالی، سازوکار فروش نفت فروپاشیده، انبارهای تهی و اقتصاد شرطی شده به مذاکره تحویل دولت سیزدهم شد.



محسن فرمند

روزنامه نگار

نفت معرفی خواهد کرد.

آیت‌الله رئیسی در جریان سفر استانی به خراسان رضوی در فروردین ۱۴۰۱ این مساله را اینگونه فاش کرد: «کشور در وضعیتی بود که برخی آقایان در جلسات می‌گفتند، اگر کسی بتواند ۲۰۰ هزار بشکه نفت بفروشد او را وزیر نفت می‌کنیم اما امروز شرایط فروش نفت به قبل از تحریم‌ها رسیده و پول فروش نفت نیز به کشور باز می‌گردد».

دولت سیزدهم معادله را تغییر داد. بدون آنکه اقتصاد دوباره به میز مذاکره گره بخورد، صادرات نفت ایران در برخی مقاطع از دو میلیون بشکه نیز عبور کرد. ارزش صادرات نفت در سال ۱۴۰۳ به حدود ۳۶ میلیارد دلار رسید. این جهش تنها روی کاغذ نبود. آمار آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد تولید نفت ایران نیز از حدود دو میلیون و ۹۹۰ هزار بشکه در سال ۲۰۲۱ به حدود سه میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در سال ۲۰۲۴ رسید. همزمان صادرات غیرنفتی نیز رکورد ۵۳ میلیارد دلاری را ثبت کرد؛ نشانه‌ای از آنکه اقتصاد ایران آرام‌آرام از وابستگی مطلق به نفت فاصله می‌گرفت.

از صف واکسن تا شکستن محاصره دارویی

در کنار اقتصاد انرژی، یکی از نخستین میدان‌های آزمون دولت سیزدهم، بحران کرونا بود؛ بحرانی که دولت را با روزانه حدود ۷۰۰ مرگ ثبت شده، تحویل گرفت. چرا که دولتمردان تدبیر و امید اعتقاد داشتند تحریم و FATF مانع واردات واکسن هستند علی‌رغم سیخ‌گویی دولت دیماه سال ۱۳۹۹ مدعی شد: «درباره خرید واکسن بنابر قوانین تحریم و قواعد FATF» در زمینه انتقال پول، طی چندین مرحله امکان انتقال پول با مشکل مواجه شد و با موانعی روبه‌رو بودیم. وی حتی توپ ناکارآمدی دولت را به زمین رهبر شهید انقلاب انداخت و ابراز امیدواری کرد با راهگشایی رهبر معظم انقلاب برای بررسی مجدد FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام، آنچه مصلحت کشور است تأمین شود!

اما تنها در عرض چند روز از بدست گرفتن سکان کشور توسط آیت‌الله رئیسی، ایشان

اقتصاد شرطی یا اقتصاد مقاوم؟

با دیپلماسی فردی و تماس تلفنی با رئیس‌جمهور چین و بدون پذیرش قواعد استعماری FATF مساله واکسن را یکبار برای همیشه حل کرد. تا اواسط شهریور ۱۴۰۰ تعداد واکسن‌های وارداتی از ۱۲۱ میلیون دوز عبور کرد و با حمایت همزمان از تولید داخلی، واکسیناسیون سراسری با رکورد تریب روزانه بیش از ۱.۶ میلیون دوز به اجرا درآمد. نتیجه روشن بود؛ بیماری مهار شد و کشور از یکی از تلخ‌ترین بحران‌های اجتماعی خود با حدود ۷۰۰ کشته در روز در پایان دولت روحانی عبور کرد.

این اتفاق در حالی رقم خورد که ظریف در جلسه مشترک هیئت دولت دوازدهم با شهید رئیسی مدعی بود که با وجود تأمین منابع مالی پنج میلیون دوز واکسن، طرف چینی هنوز هیچ تعهد قطعی برای فروش به ایران نداده است.

۳۳ ماه «کار»، در برابر هشت سال «انتظار»

اما شاید مهم‌ترین بخش این تغییر، در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی معنا پیدا کند؛ همان بخشی که دولت‌های یازدهم و دوازدهم با وجود همه شعارهای تعامل و برجام، یکی از ضعیف‌ترین کارنامه‌های تاریخ جمهوری اسلامی را در آن ثبت کردند. روحانی که مدعی بود «با رفع تحریم مشکل سرمایه‌گذاری خارجی حل می‌شود» علی‌رغم امضای برجام طی هشت سال دولتش، مجموع جذب سرمایه خارجی حدود ۱۴ میلیارد دلار و میانگین سالانه ۱.۷۵ میلیارد دلار بود. در مقابل، دولت شهید رئیسی تنها در ۳۳ ماه، رقم ۱۰.۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی را ثبت کرد؛ میانگین سالانه‌ای حدود ۴.۲ میلیارد دلار. این جهش در شرایطی رخ داد که ایران تحت شدیدترین فشارهای غرب قرار داشت. شاید تفاوت اصلی همین جا بود؛ دولت سیزدهم به جای معطل ماندن پشت درهای بسته غرب، تلاش کرد کشور را از شرطی بودن خارج کند. نتیجه نیز به در وعده، بلکه در آمار صادرات، ذخایر کالاهای اساسی، فروش نفت، سرمایه‌گذاری، ثبات نسبی اقتصادی و نجات جان مردم ایران نمایان شد.

یادداشت

سفر عراقی به نیویورک و یادآوری بدیهیات روابط بین‌الملل

دکتر مهدی خاندلی‌زاده
پژوهشگر روابط بین‌الملل

با وجود دست برتر ایران در میدان و اعمال قدرت تهران در مدیریت تنگه هرمز در جریان جنگ تحمیلی اخیر، فعالیت دیپلماتیک جدی از سوی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس باعث شده تا رویدادهایی خلاف منافع ملی ایران طراحی و اجرایی شود که با واکنش مناسب از سوی دستگاه دیپلماسی کشورمان نیز روبرو نشده است؛ مساله‌ای که در روزهای پیش رو و با توجه به تحت فشار بودن طرف آمریکایی در این زمینه، می‌تواند خدشه‌های جدی در میدان داری ایران در تنگه‌ی هرمز ایجاد کند.

یکی از این اقدامات، طراحی یک جلسه در سازمان ملل متحد با محوریت ریاست دوره‌ای شورای امنیت - یعنی چین - است که قرار است هفته‌ی آینده در نیویورک با حضور کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایران برگزار شود. این جلسه به دعوت پکن و البته با رایزنی گسترده‌ی کشورهای عربی طراحی شده و با توجه به فضای حاکم بر آن، می‌توان انتظار داشت که یک خروجی ضدایرانی - حداقل در بُعد رسانه‌ای و سیاسی - خواهد داشت. اهمیت این مساله آنجایی افزوده می‌شود که سطح جلسه در جایگاه وزری امور خارجه است و سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان هم اعلام کرده که با همراهی یک هیات بلندپایه در این جلسه شرکت خواهد کرد.

بدیهیات علم روابط بین‌الملل به دیپلمات‌های حرفه‌ای یادآوری می‌کند که فعالیت دیپلماتیک، پذیرش هر دعوت و حضور در اجلاس نیست؛ مخصوصاً زمانی که شما مطمئن هستید که خروجی یک نشست علیه منافع ملی واحد سیاسی متبوع شما خواهد بود، عدم حضور یک اقدام درست دیپلماتیک محسوب می‌شود. نمونه‌ی این مساله را می‌توان در عدم حضور رئیس‌جمهور کشورمان در اجلاس شرم‌الشیخ دانست که نهایتاً منجر به تحقیر و تمسخر حاضران در آن اجلاس - حتی متحدان راهبردی ایالات متحده نظیر بریتانیا، ایتالیا و بحرین - شد. چنین وضعیتی درباره‌ی اجلاس هفته‌ی آینده در نیویورک نیز متصور است؛ چرا که حضور کشورهای متخاصم و کشورهایی که با طرف آمریکایی در تهاجم نظامی علیه ایران همراهی و همکاری داشته‌اند، کفه‌ی ترازو را به سمت اعلام مواضع ضدایرانی سنگین کرده است. عدم حضور وزیر امور خارجه‌ی کشورمان در این جلسه، دقیقاً منطبق بر بدیهیات علم روابط بین‌الملل و در مسیر تأمین منافع ملی است؛ همان‌طور که پیش از آغاز جنگ و در جریان مذاکرات هسته‌ای، شهید علی لاریجانی از برگزاری مذاکرات با میانجی‌گری ترکیه و حضور کشورهای منطقه در گفتگوها تبدیل به یک معادله‌ی منطقی‌ای شد. همین دغدغه‌ی درست و توجه به بدیهیات منطبق نظام بین‌الملل بود که گفتگوها را از استانبول به مسقط منتقل کرد و اجازه نداد تا منافع ملی ایران با خواسته‌های غیرمنطقی رقبای منطقه‌ای گره بخورد.

بر همین مبنا و در شرایطی که ایران در وسط جنگ با آمریکا و شرکای منطقه‌ای آن قرار دارد، حضور دکتر عراقچی در سازمان ملل و شرکت در جلسه‌ای که خروجی حتمی و قطعی آن ضدایرانی خواهد بود، منطبق بر منافع ملی کشورمان نیست و نهایتاً منجر به آسیب سیاسی به راهبردهای ملی ایران خواهد شد.

در پایان دولت دوازدهم، اقتصاد ایران به نقطه‌ای رسیده بود که بسیاری از تصمیمات کلان آن نه بر اساس ظرفیت داخلی، بلکه بر مبنای تحولات مذاکره‌ای انجام می‌شد. دولت سیزدهم تلاش کرد این الگو را تغییر دهد؛ افزایش صادرات نفت بدون توافق، رشد صادرات غیرنفتی، احیای زیرساخت‌های انرژی، بازگشت سرمایه‌گذاری خارجی و مهار بحران کرونا، همگی نشانه‌های عبور تدریجی از سیاست خارجی بحران زده بود. در مرداد ۱۴۰۳ کشور دیگر در وضعیت فروپاشی مرداد ۱۴۰۰ قرار نداشت و دولت چهاردهم، کشوری متفاوت از آنچه سه سال قبل تحویل شده بود، در اختیار گرفت.

هنر متعهد می خواهیم نه مبتدل!

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

در روزهایی که جامعه زیر بار فشارهای اقتصادی و بمباران روانی رسانه‌های معاند نفس می‌کشد، تردیدی نیست که هنر متعهد می‌تواند نقشی جدی در بازگرداندن آرامش و امیدآفرینی ایفا کند. موسیقی، تئاتر و سینما در بزنگاه‌های سخت تاریخی پناهگاه مردم باشد و اکنون این نیاز بیش از پیش احساس می‌شود. صحبت‌های حمیدرضا نوربخش -مدیرعامل خانه موسیقی ایران- درباره ضرورت تقویت تاب‌آوری روحی خانواده‌های آسیب‌دیده و حضور هنرمندان در کنار مردم، حرفی درست و قابل دفاع است؛ جامعه خسته امروز به هنر نیاز دارد تا لحظه‌ای از پمپاژ اخبار تلخ و اضطراب‌زاهایی بپاید.

اما مسئله اساسی اینجاست که جامعه متدین و مردم ما صرفاً «شوی نمایشی» نمی‌خواهند؛ بلکه تشنه هنر تراز و باکیفیت‌اند. نمی‌توان به برگزاری کنسرت‌ها صرفاً با عینک سوداگری و کاسب‌کارانه نگاه کرد و از کیفیت فاجعه‌بار آثار غافل شد. امروز بخش قابل توجهی از مخاطبان از ولنگاری حاکم بر اجراها به شدت گلایه دارند. از پلی‌بک‌های وقیحانه، فالش خوانی‌های فاحش، تنظیم‌های نازل و ترانه‌های سخیفی که تهی از ارزش ادبی و ماندگاری هنری‌اند. این نقدهای بحق، واقعیتی است که مدیران فرهنگی کشور نباید با تسامح از کنار آن عبور کنند.

مردم در شرایط دشوار جنگ اقتصادی زندگی می‌کنند و خرید بلیت کنسرت تبدیل به هزینه سنگینی برای خانواده‌ها شده است و عملاً این مادیوم هنری را متعلق به طبقه خاصی کرده است. وقتی مخاطب مبلغ گزافی می‌پردازد، انتظار یک اجرای حرفه‌ای و استاندارد را داشته باشد، نه اجرایی زیر سطح آماتور. هنر تنها زمانی می‌تواند به ارتقای روحیه جامعه کمک کند که آغشته به صداقت، کیفیت و احترام به مخاطب باشد، نه ابزاری برای کلاهبرداری هنری.

اگر قرار است کنسرت‌ها دوباره رونق بگیرند و مردم با هنر آشتی کنند، این مسیر با بخشنامه‌ای دولتی هموار نمی‌شود؛ بلکه نیازمند جراحی عمیق در کیفیت آثار و احترام واقعی به شعور مخاطب است. جامعه به هنر نیاز دارد، اما هنر ناب و خوب، نه صرفاً اجراهای پرزرق و برق، تجاری و بی‌محتوا. هنرمند از منظر اخلاقی موظف است برای بهایی که توسط مردم پرداخت می‌شود ارزش قائل شود و صرفاً او را به دیده مشتری دست به نقد در نظر نگیرد.

بسته پیشنهادی نوییناد درباره شهید رئیسی همزمان با نمایشگاه مجازی کتاب

معرفی هفت کتاب درباره شهید رئیسی

در سال‌های اخیر، مجموعه‌ای از آثار مستند، روایی و تحلیلی درباره شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی منتشر شده است که هر یک از زاویه‌ای متفاوت به زندگی، منش فردی و سبک حکمرانی ایشان می‌پردازند. این کتاب‌ها از روایت‌های

نزدیک و روزنگارانه تا تحلیل‌های فکری و مجموعه‌های داستانی را دربرمی‌گیرند و در مجموع تلاش دارند تصویری چندلایه از یک دوره مهم سیاسی و اجرایی در جمهوری اسلامی ایران ارائه دهند.



مهدی سلیمانی
روزنامه‌نگار

آثاری مانند «خسته نیستم»، «راز پرواز» و «هارداسان» در کنار کتاب‌هایی همچون «کلاس شهادت» و «روایت رئیسی»، می‌کوشند هم ابعاد شخصی و اخلاقی و هم جنبه‌های مدیریتی و سیاسی زندگی ایشان را بازتاب می‌دهند. در این میان، مفاهیمی مانند مردم‌مداری، عدالت‌خواهی، ساده‌زیستی و مدیریت جهادی به عنوان محورهای اصلی این آثار برجسته شده‌اند و تصویری فراتر از روایت‌های خبری و روزمره از ایشان شکل گرفته است.

کتاب «خسته نیستم» نوشته مهدی مجاهد، حاصل سه سال همراهی نزدیک نویسنده با شهید رئیسی است. این کتاب در قالب ۱۰۰ روایت کوتاه، از روزهای انتخابات ۱۴۰۰ آغاز می‌شود و تا شهادت ایشان در ۱۴۰۳ ادامه می‌یابد. ویژگی اصلی اثر، نگاه از درون و دسترسی مستقیم به پشت صحنه تصمیم‌ها، سفرها و جلسات است؛ جایی که نویسنده تلاش کرده است تصویر دقیقی از روحیه خستگی‌ناپذیر، ارتباط مستقیم با مردم و سبک مدیریت ایشان ارائه دهد. در کتاب «راز پرواز» نوشته محمد مهدی اسلامی، تمرکز بر ۴۰ روز پایانی زندگی ایشان است؛ دوره‌ای فشرده و پرحادثه که از عملیات وعده صادق آغاز می‌شود و تا سانحه منجر به شهادت ادامه دارد. این اثر با اتکا به روایت‌های نزدیک و گزارش‌های دست‌اول، فضای تصمیم‌گیری‌های حساس، سفرهای متعدد و شرایط بحرانی آن روزها را بازسازی می‌کند و در کنار آن، به ابعاد معنوی و انسانی شخصیت ایشان نیز توجه دارد.

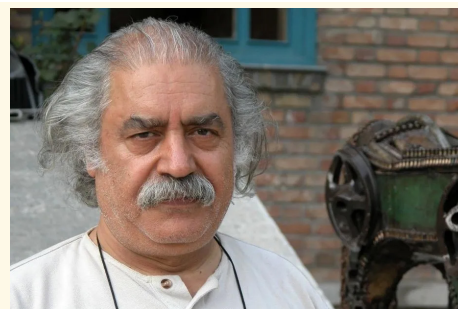
کتاب «کلاس شهادت» مجموعه‌ای از گفتارها و اندیشه‌های اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی ایشان است. این اثر می‌کوشد نشان دهد که در منظومه فکری شهید رئیسی، مفاهیمی مانند عدالت، صداقت، مردم‌داری و اخلاق مدیریتی جایگاهی بنیادین داشته‌اند. در این نگاه، مسئولیت سیاسی

صرفاً یک جایگاه اداری نیست، بلکه نوعی تکلیف اخلاقی و دینی در قبال جامعه محسوب می‌شود. در کتاب «رئیسی عزیز؛ الگوی مدیریت تقوامجور» اثر حجت‌الاسلام پناهیان، محور اصلی بحث «تقوا در مدیریت» است. نویسنده تلاش می‌کند نشان دهد که در نگاه ایشان، تقوا صرفاً یک ویژگی فردی نیست، بلکه مبنای تصمیم‌گیری سیاسی، نحوه مواجهه با بحران‌ها و نوع تعامل با مردم است. در این اثر، ساده‌زیستی، عدالت‌محوری، حضور میدانی و پرهیز از تشریفات به عنوان عناصر اصلی این الگوی مدیریتی معرفی می‌شوند.

مجموعه داستان «یلدای اردیبهشت» با ۲۸ روایت کوتاه، زندگی شهید و همراهان ایشان را در قالبی ادبی و احساسی بازتاب می‌دهد. این اثر بیش‌تر بر تجربه انسانی، عاطفی و زیسته تمرکز دارد و تلاش می‌کند ابعاد کمتر دیده‌شده از زندگی و همراهان ایشان را در قالب داستان‌های کوتاه ثبت کند. در کتاب «هارداسان» نوشته محمد مهدی رحیمی، ۲۲۲ روایت از ۱۰۵۰ روز دولت سیزدهم ارائه شده است. این کتاب به پشت صحنه جلسات، سفرها و تصمیم‌های کلان می‌پردازد و تصویری جزئی‌نگار از مدیریت اجرایی ایشان ارائه می‌دهد؛ تصویری که در آن، توجه به مردم، جزئیات و پیگیری مستمر مسائل کشور برجسته است.

در نهایت، کتاب «روایت رئیسی» نوشته بهادری جهرمی و کمال کد خدامرادی، رویکردی تحلیلی دارد و تلاش می‌کند با تقسیم‌بندی مبانی، اصول و رویکردهای مدیریتی، چارچوبی نظری از سبک حکمرانی ایشان ارائه دهد. این اثر مفاهیمی مانند خدامحوری، عدالت‌محوری، قانون‌مداری و مدیریت جهادی را به عنوان ستون‌های اصلی این الگو بررسی می‌کند. در مجموع، این آثار تصویری چندلایه از ایشان ارائه می‌دهند که میان روایت شخصی، تجربه زیسته و تحلیل نظری در نوسان است و تلاش دارند فراتر از روایت‌های خبری، به فهمی عمیق‌تر از شخصیت و کارنامه ایشان برسند.

فضای مجازی منتشر شده که «بهزاد فراهانی» را در حال دفاع از مواضع انقلابی‌اش نشان می‌دهد. او در میان مشتی سلطنت‌طلب بی‌ریشه و بی‌هویت در کتابفروشی نشر ضدانقلاب («ناکجا») در پاریس حضور یافت تا در جایگاه متهم محاکمه شود. اما او رویکرد این بازیگر به گونه‌ای بود که تمام رشته‌های این جماعت را پنبه کرد. اما در ادامه این صفحات مجازی چاپلوسان رضا پهلوی در اینستاگرام و توئیتر بودند که فرمان را به دست گرفتند و حملات خود به فراهانی را به خاطر نگرش سیاسی‌اش آغاز کردند. شاید برای عده‌ای این تصویر به وجود بیاید که نباید سربه‌سر این چهارپایان گذاشت و در برابرشان از مواضع سیاسی خود گفت، اما این‌ها تنها کف روی آب هستند و باید در مقابل‌شان ایستاد تا آن‌ها نتوانند با استفاده از سلاح «بازنمایی» مخاطبان خود را بفریبند.



پهلوی تمایل عجیبی در به فساد کشاندن مفاهیم دارد. آن‌ها هر که را فکر کنند مخالف مشی‌شان است به بدترین شکل ممکن ترور شخصیت می‌کنند. به تازگی ویدئویی در

طالبان پهلوی به بهزاد فراهانی هم رحم نکردند

نوییناد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سه‌پهید قرنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگی
C U L T U R A L

■ چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۴۵

یادداشت

سال‌هایی که سینما مهم بود

ایمان عظیمی
روزنامه‌نگار

اکنون سینمای ایران در شرایط و وضعیت بسیار وخیمی به سر می‌برد و سال‌ها روزهای سوت و کوری را تجربه می‌کنند، به طوری که اگر این مادیوم در یک وضعیت تماماً صنعتی قرار داشت، اکنون باید خیر و خوشحالی‌اش را برای رسانه‌ها مخابره می‌کرد. از سوی دیگر، وقتی به آثار روی پرده نگاه می‌اندازیم این سوال برایمان مطرح می‌شود که چرا اصلاً مخاطب باید با قبول هزینه‌های زیاد به سینما برود و چنین فیلم‌های بد، بی‌کیفیت، سخیف و اباحه‌گرانه‌ای را بر روی پرده تماشا کند؟ مسئولان فرهنگی دولت چهاردهم پیش از ورود به پاستور قول دادند تاراه را برای ایفای نقش دیگر ژانرها در کنار کمدی مهیا کنند و در کنار آثار طنزانه به کارهای دیگر هم در مرحله پروانه ساخت و نمایش بها دهند، اتفاقی که در عمل رخ نداد.

به بیان دیگر، دولتی که می‌خواست ابروی سینما را درست کند، چشمش را هم کور کرد و این مادیوم را به جایی رساند که اکنون چاره‌ای جز دست به دامان این و آن شدن ندارد. برای فهم شرایط بحرانی هنر و صنعت سینما در دولت چهاردهم باید به گذشته رجوع کنیم و ببینیم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه‌های ذربیط در چه شرایطی فرهنگ و در کل سینما را از دولت مستعجل شهید رئیسی تحویل گرفتند.

اقتصاد سینما در دوران سه ساله دولت سیزدهم اگرچه متناز از همه‌گیری کرونا و بلوای «زن، زندگی، آزادی» بود، اما در نسبت با دوران حاضر، فیلم‌ها مخاطبان بسیار بیشتری داشتند و بیشتر هم می‌فروختند. نقد منتقدان اما این بود که مجموعه

محمد مهدی اسماعیلی تمایلی به نمایش فیلم‌های موسوم به اجتماعی ندارد و تنها به کمدی بها می‌دهد. اما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آن روزگار بر مبنای یک راهبرد مشخص، کاری که بلد بود را به خوبی انجام داد و در کوتاه‌مدت نفس تازه‌ای را در رگ‌های اقتصاد سینما جاری کرد.

پرفروش شدن کمدی‌هایی نظیر «فسیل» و «هتل» اگرچه مورد نكوهش طیف انتلکت سینما قرار گرفت، اما مردم را به سالن‌ها فراخواند تا حداقل اگر اندیشه را نمی‌توان در کوتاه‌مدت به سینما تزریق کرد، لااقل سرگرمی را از تماشاگر دریغ نکرد.